تشییع پیکر آتش نشان شهید

پیکر آتش نشان شهید "سید احسان جامعی" در میان اشک و اندوه همرزمانش با حضور شهردار و رییس شورای شهر تهران تشییع و به سوی منزلگاه ابدی بدرقه شد.

به گزارش جام جم، صبح دیروز پیکر آتش نشان فداکار تهرانی "سید احسان جامعی" که یکشنبه ۲۳ دی ماه در لباس عملیات و در راه خدمت به همنوع به درجه رفیع شهادت نائل آمد با حضور پیروز حناچی شهردار تهران و تنی چند از اعضای شورای شهر و جمع کثیری از آتش نشانان و مردم قدرشناس شهر تهران، تشییع شد. بر این اساس، پیکر این شهید ایثارگر از ایستگاه شماره یک آتش نشانی در میدان حسن آباد تا ساختمان شهرداری در خیابان بهشت با همراهی خانواده اش و همکارانش بدرقه شد و پس از خواندن نماز در حیاط ساختمان شهرداری، برای تدفین در محوطه آستان مقدس امام زادگان طاهر و مطهر(ع) ورامین منتقل شد.

یکی از همکاران خلبان بوئینگ:

غفور قجاوند از خلبانان حرفه ای بود و به عنوان استاد خلبان تدریس هم می‌کرد. او سال هاست با بوئینگ ۷۰۷ پرواز می کرد و در تعدادی از سفرهای مسوولان نظام شهید قجاوند خلبان پرواز بود

برای جذب فالوئر اینکار را نکردم

پس از وقوع حادثه اعلام شد، مهندس پرواز قبل برخورد هواپیما با دیوار و انفجار، به بیرون پرت شده اما فیلمی منتشر شد که در آن مردی در حال انتقال او به محلی امن است. مرد ۲۸ ساله ای به نام مهرداد راضی که مسئول پروژه‌های ساختمانی یا مهندس پروژه است. او درباره فیلمی که از خود منتشر کرده، می گوید: ساعت حدود ۸ و ۲۰ دقیقه بود که صدا را شنیدم، سریع به سمت محل بلند شدن دود دویدم و دیدم که هواپیما وارد شهرک مسکونی شده و دو ویلا را تخریب کرده است. هر چه داد زدم کسی جوابم را نداد، به همین خاطر از روی دیوار به داخل ویلا رفتم، دیدن هواپیمایی با آن عظمت آن هم در حالی که روی زمین افتاده و آتش گرفته خیلی عجیب و وحشتناک بود، هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ شوخی که نیست آن هم هواپیمایی که در حال سوختن است. از همان لحظه تصمیم گرفتم بر احساسم غلبه کنم و هر طور شده کاری انجام دهم، داد زدم تا اگر کسی زنده باشد صدایم را بشنود و به سراغش بروم، یک نفر صدایم را شنید و من را متوجه خودش کرد، به سمتش که رفتم دیدم در یک سوراخ تقریباً ۵۰ سانتیمتری که در بدنه هواپیما ایجاد شده بود گیر کرده است، در آن لحظه هواپیما هیچ راه ورودی نداشت. به آن فرد گفتم دستت را به من بده که گفت نمی‌توانم به همین خاطر به زحمت و از کمر او بیرون کشیدم، دو نفر دیگر را در همان حین دیدم که داخل هواپیما افتاده بودند اما تکان نمی‌خوردند.

وی می‌گوید: وقتی این سرنشین هواپیما بیرون آمد مقداری هوشیاری داشت و با همان حال به من گفت که هنوز ۱۵ نفر داخل هستند، او را به یک محل امن بردم تا اگر انفجاری رخ داد آسیب نبیند بعد از آن خواستم برای نجات بقیه به داخل هواپیما بروم اما راهی وجود نداشت، تنها فکری که در آن لحظه به ذهنم رسید این بود که برق و گاز ویلای محل حادثه را قطع کنم تا انفجاری رخ ندهد چون دماغه هواپیما به داخل خانه رفته بود.

راضی در خصوص فیلمی که از آن لحظات گرفته هم می‌گوید: برخی به من ایراد گرفتند که چرا در آن لحظه فیلم گرفتی، همین جا می‌خواهم بگویم که آن فیلم را با هدف اینکه هویت فرد نجات یافته زودتر مشخص شود گرفتم چون بالاخره تا مشخص شود چه کسی زنده مانده و کجاست طول می‌کشد.

وی اضافه می‌کند: برای جذب فالوئر و این چیزها آن فیلم را نگرفتم؛ چون نه اهل خودنمایی هستم و نه نیازی به فالوئر دارم و هدفم فقط همان بود که شخص نجات یافته زودتر شناسایی شود و صحنه آن لحظات هواپیما که در چه شرایطی فرود آمده باقی بماند.

روایت دوستان فرنوش شیخی از سقوط هواپیما

کاش خواب باشد کاش پدرم زنده باشد

مکث

تماس‌های مکرر با فرنوش شیخی بی‌فایده است. او پدرش را از دست داده، آن هم در یک حادثه هولناک. هواپیمایی که پدر ملی‌پوش والیبال ایران هم یکی از جانباختگانش بود. در شرایطی که فرنوش داشت خودش را آماده می‌کرد تا برای دیدن کاوه رضایی (همسرش) به قطر برود، اما شرایط جور نشد و شیخی ترجیح داد تا در تهران و کنار خانواده‌اش باشد که این حادثه تلخ رقم خورد. رسانه‌ها و فضای مجازی پر شده بود از عکس فرنوش و فریدون پدرش. خبر شوکه‌آوری بود که باورش برای این بانوی ملی‌پوش سخت بود. طوری که فریبا سلیمانی مربی فرنوش می‌گوید: بنده خدا اصلا نمی‌توانست حرف بزند. دوستانش در کنارش هستند، اما فرنوش مدام فریاد می‌زند که کاش همه اینهایی که اتفاق افتاده خواب باشد. کاش هواپیمایی سقوط نکرده باشد و کاش پدرش زنده باشد.

فرنوش و پدرش فراتر از رابطه پدر و دختری، رفیق هم بودند. این را همه آنهایی که از نزدیک خانواده شیخی را می‌شناسند می‌دانند. پدر به‌شدت پرسپولیسی و داماد استقلالی. فرنوش تا زمانی که پرسپولیس تیم والیبال بانوان داشت به احترام پدرش در این تیم مانده بود. دیروز تلاش زیادی کردیم تا با خود فرنوش تماس بگیریم که حال نامساعد او اجازه برقراری تماس را نداد.

گره کور در ۲ پرونده جنایت خاموش

وقتی گره کور دو جنایت جداگانه پس از سال‌ها باز نشد قضات دادگاه با پرداخت دیه از صندوق بیت المال به اولیای دم موافقت کردند.

به گزارش جام جم، نخستین پرونده که دیروز در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی قربانزاده و با حضور یک قاضی مستشار برگزار شد مربوط به پرونده کشته شدن دختر ۱۴ ساله‌ای بود که ۱۲ سال قبل در تابستان سال ۸۵ قربانی جنایتی خاموش شد. شواهد نشان می‌داد دختر نوجوان در خانه پدری‌اش در جنوب تهران با ۲۲ ضربه چاقو از پا درآمده و به لوازم خانه نیز دستبرد زده شده است. پلیس به تحقیق پرداخت و چند مظنون را بازداشت کرد، اما به نتیجه مطلوب نرسید و ردی از عامل اصلی جنایت به دست نیامد. با گذشت ۱۲ سال از جنایت، پدر و مادر دختر نوجوان با مراجعه به دادگاه درخواست کردند تا دیه دخترشان از صندوق بیت‌المال با آنها پرداخت شود. انها گفتند: حالا که ردی از قاتل دخترمان به دست نیامده تقاضای دریافت دیه داریم. دیروز قضات دادگاه با این درخواست موافقت کرده و حکم به پرداخت دیه از صندوق بیت‌المال صادر کردند.

دومین پرونده که با صدور حکم پرداخت دیه از صندوق بیت المال مختومه شد مربوط به کشته شدن زن میانسالی بود که شش سال قبل در خانه‌اش به قتل رسید. رسیدگی به این پرونده از اوایل سال ۹۱ به دنبال کشته شدن زن میانسالی به نام اقدس در خانه‌اش در شهرری در دستور کار پلیس قرار گرفت. دختر وی که با پیکر بی‌جان مادرش روبه‌رو شده بود به ماموران گفت: بعد از فوت پدرم، مادرم به تنهایی در خانه‌اش زندگی می‌کرد. او مدتی بود صیغه یک مرد سالخورده شده بود و آنها با هم در رفت و آمد بودند.

وی ادامه داد: آن روز با خانه مادرم تماس گرفتم، اما او پاسخی نداد. من که نگران شده بودم مقابل در خانه مادرم رفتم و هر چه در زدم کسی در را باز نکرد. من با کمک همسایه‌ها قفل را شکستم و بعد از وارد شدن با جنازه مادرم روبه‌رو شدم. در بررسی خانه فهمیدم ال‌سی‌دی سرقت شده است.

وقتی تلاش پلیس برای یافتن ردی از عامل یا عاملان جنایت پس از شش سال به نتیجه نرسید سه دختر قربانی دیروز در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران حاضر شدند و درخواست کردند تا دیه مادرشان از صندوق بیت‌المال به آنها پرداخت شود.

رازگشایی از پرونده قتل دختر نوجوان و زن میانسال با گذشت سال‌ها از جنایت‌ها همچنان با بن‌بست روبه‌رو شده است

۵۰۰ سارق و مالخر در تور پلیس پایتخت

ماموران کلانتری‌های پایتخت در بیست و یکمین مرحله از طرح رعد، ۵۰۰ نفر از سارقان و مالخران را دستگیر و ۱۹ باند سرقت را متلاشی کردند.

به گزارش جام جم، سردار حسین رحیمی، فرمانده انتظامی تهران بزرگ در حاشیه بیست و یکمین مرحله از طرح رعد گفت: در این طرح کلانتری‌ها مکلف شدند حوزه خود را از مجرمان، قانون‌شکنان، متخلفان و خرده‌فروشان مواد مخدر پاکسازی کنند. ماموران در کلانتری‌های پایتخت از روز شنبه تا سه‌شنبه که این طرح اجرا شد، ۵۰۰ نفر از سارقان، مالخران و همدستان آنها را در پاتوق‌هایشان شناسایی و بازداشت کردند. ۷۰۰ پرونده سرقت در این مرحله از طرح در دستور کار پلیس قرار گرفت.

وی افزود: ۱۹ باند سرقت متلاشی و اعضای آن بازداشت شدند. ۷۶۵۰ قلم اموال سرقتی، ۱۶۵ دستگاه خودرو و موتورسیکلت سرقتی نیز از آنها کشف شد. ۲۳۷ نفر از ۵۰۰ متهم بازداشت شده، سابقه دار بودند. ارزش اموال سرقتی کشف شده هفت میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان است. ۳۳ قاچاقچی کالا که در قالب پنج باند فعالیت داشتند هم بازداشت شدند.

فرمانده انتظامی تهران بزرگ افزود: ماموران کلانتری تهرانسر در این طرح موفق به دستگیری اعضای باند جعلی شدند. متهمان سه جاعل سابقه‌دار بودند. آنها با شناسایی رانندگان که به برگه‌های معاینه فنی خورو، برگه‌های عدم اعتیاد و دیگر مدارک نیاز داشتند و به طور قانونی نمی‌توانستند این مدارک را بگیرند، شناسایی و مدارک درخواستی آنها را سفارش داده و مدارک جعلی را بسته به نوع درخواست مشتریان از ۲۰۰ هزارتومان تا یک میلیون تومان می‌فروختند. متهمان در جریان تحقیقات پلیسی بازداشت شدند و به جعل مدارک و فروش این مدارک اعتراف کردند.

تلنگر

دختر رزمی‌کار در دام گریمور قلابی

گریمور قلابی سینما و تلویزیون که با ربودن دختر ۱۹ ساله رزمی‌کار درصدد بود او را در دام شیطانی‌اش گرفتار و از وی اخاذی کند، ناکام ماند.

به گزارش جام جم، هفته گذشته دختر ۱۹ساله‌ای با حضور در دادسرای جنایی تهران از گریمور قلابی سینما به اتهام آدم‌ربایی و آزار و اذیت شکایت کرد. پس از این شکایت با دستور بازپرس جنایی، پرونده برای ادامه تحقیقات به پلیس آگاهی تهران ارسال شد.

شاکی به افسر تحقیق گفت: در شهرستان زندگی می‌کنم، تکواندوکارم و شیفته بازیگری هستم. در شهرمان کلاس‌های بازیگری رفتم. چند ماه پیش در اینستاگرام با مردی آشنا شدم که می‌گفت گریمور سینماست. گمان کردم که او گریمور است. بعد از بازدید از اینستاگرامش با او حرف زدم و تلفنش را داد و به او اعتماد کردم. چند روز پیش با من تماس گرفت و مرا برای بازی در دو فیلم سینمایی و تلویزیونی دعوت کرد. با پیاده شدن از اتوبوس در پایانه تهران، مرد گریمور سراغم آمد و سوار اتومبیل پژوی او شدم. بعد از یک ساعت با چاقو مرا تهدید کرد و در خودرو مورد آزار و اذیت قرار داد.

متهم فراری دو روز پیش بازداشت شد و گفت: بیکار بودم و برای فریب دختران جوان در اینستاگرام، خودم را به عنوان گریمور سریال‌های تلویزیون و فیلم‌های سینمایی معرفی می‌کردم و دخترانی که شیفته بازی در سریال و سینما و حرفه بازیگری بودند را به دام می‌انداختم. این دختر شهرستانی را هم من فریب دادم و مورد آزار و اذیت قرار دادم. قصد داشتم با ربودن و حبس کردنش در خانه‌ام از او فیلمبرداری کنم و با این ترفند از وی اخاذی کنم که با فنون رزمی مرا ناکام گذاشت و از دستم فرار کرد.

قاتل ملیکا اعدام شد

مردی که به اتهام قتل ملیکای پنج ساله در فلاورجان بازداشت شده بود در مقابل دیدگان مردم به دار مجازات آویخته شد.

به گزارش جام جم، مردی به نام محمد جواد مهر امسال در پی یک معامله مواد مخدر، ملیکا طفل پنج ساله فلاورجانی را به گروگان گرفت و به قتل رساند. او با شکایت خانواده کودک تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و درکمتر از ۲۴ ساعت دستگیر شد. متهم در جریان تحقیقات به قتل این کودک اعتراف کرد و بعد از بازسازی صحنه قتل روانه زندان شد. متهم به قتل در شعبه اول دادگاه کیفری یک استان اصفهان محاکمه و به اتهام قتل ملیکا به قصاص، نسبت به زنای به عنف به فرد دیگری به اعدام، بابت آدم‌ربایی به ۲۰ سال حبس، ایراد ضرب و جرح عمدی به ۷ سال حبس، از بابت حبس غیر قانونی طفل و خواهر و برادر وی به چهار سال حبس و برای کودک آزاری به ۹ ماه حبس و نیز پرداخت دیه در حق اولیای دم محکوم شد. حکم صادره در دیوان عالی کشور تایید شد و سرانجام مرد اعدامی سحرگاه سه‌شنبه ۲۵ دی امسال، در یکی از میادین اصلی شهرستان فلاورجان در مقابل دیدگان مردم به دار مجازات آویخته و پرونده زندگی او بسته شد.

بازداشت سلطان ترامادول

مردی که لقب «سلطان ترامادول» را در میان عطاری‌های مشهد داشت، شناسایی و بازداشت شد.

حجت‌الاسلام سیدجواد حسینی، معاون دادستان مشهد به جام جم گفت: نیروهای اطلاعات سپاه حر مشهد در پی رصدهای اطلاعاتی درباره عوامل اخلال در شبکه دارویی و توزیع‌کنندگان داروهای غیرمجاز در عطاری‌ها به اطلاعاتی دست یافتند که نشان می‌داد مردی در میان عطاری‌ها و فروشندگان داروهای غیرمجاز به سلطان ترامادول معروف است که وی را دستگیر کردند.

وی افزود: نیروهای سپاه پاسداران سپس محل تهیه و تولید داروها را در خانه دو طبقه اجاره‌ای در خیابان ایرج مشهد شناسایی و در بازرسی از آنجا ۳۰۰ کیلوگرم پودر ساخت داروهای غیرمجاز بدن سازی، چاقی و لاغری به همراه ۲۰۰۰ قرص ناشناخته و ۱۱ هزار و ۵۰۰ قرص ترامادول، چند هزار قوطی با مارک و برچسب داروهای تقلبی، دستگاه پوز بانکی سیار به همراه دو ترازوی دیجیتالی را همراه مقداری پول کشف کردند.